

گزارش نظارت از تطبیق قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد در کشور
افغانستان

پژوهشگران: دارالانشا شبکه زنان افغان
ویدا لطیف - زلمی زمری - حسیب الله فیضی

پژوهشگران از نهاد های ذیل:
مرکز تعلیمی و آموزش برای زنان و دختران بی بضاعت افغانستان (ECW)
انجمن احیای آریامهر (ARE)
مرکز تعلیمی زنان افغان (AWEC)
نهاد حقوق زنان افغان (AWRO)
نهاد رفاه بشر (OHW)

نویسنده: زرین حامد



اظهار سپاس:

شبکه زنان افغان از اعضای خویش که در جمع آوری اطلاعات و معلومات برای تهیه گزارش نظارت کشور در مورد - قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد همکاری نموده اظهار سپاس مینماید. اعضای که در تکمیل این گزارش سهیم بودند قرار ذیل اند:

مرکز تعلیمی و آموزش برای زنان و دختران بی بضاعت افغانستان (ECW)
انجمن احیای آریامهر (ARE)
مرکز تعلیمی زنان افغان (AWEC)
نهاد حقوق زنان افغان (AWRO)
نهاد رفاه بشر (OHW)

شبکه زنان افغان از وزارت های امور داخله، و زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، و دفاتر ولایتی و اعضای انات شورای عالی صلح برای سهم گیری در تهیه معلومات برای این گزارش قدردانی و اظهار امتنان مینماید.

از همکاری مالی سخاوتمندانه سفارت کانادا در تکمیل این گزارش تشکری مینمائیم. همچنان از شبکه جهانی ایجاد صلح برای تهیه همکاری های تخنیکی در جریان تسوید گزارش و همچنان شامل ساختن افغانستان در گزارش نظارت، قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد که در اکتوبر برای مراسم سال 12 این قطعنامه صورت میگیرد، اظهار امتنان و تشکری مینمائیم.

فهرست مطالب

معرفی

الف - نوعیت و طبیعت منازعه

ب - تاثیرات منازعات بالای زنان

ج - پالیسی های مربوط

تحلیل و ارایه اطلاعات

زنان در حکومت داری ملی (کابینه ، پارلمان)

زنان در حکومت داری محلی (شورای های ولایتی ، شاروال ها وغیره)

فیصدی زنان در گروه مذاکره کننده صلح ، و تحلیل موضوعات جندر در توافقات صلح

زنان در شورای عالی صلح و شورای های ولایتی صلح

اشتراک زنان در سکتور عدلیه ، امنیت و ماموریت های حافظ صلح

قوای امنیتی افغان

تعداد و فیصدی زنان در بررسی های قانون اساسی و قضائی
نهادهای جامعه مدنی در نیروی کاری UNSCR 1325
جلوگیری و محافظت

موارد خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت اجتماعی
تعداد و کیفیت پالیسی ها و قوانین به ارتباط پاسخگویی به مسایل جندر
تعداد و ویژه گی تدارکات / پیشنهادات در کمیسیون حقیقت مصالحه و گزارش های دیگر
عدالت انتقالی پیرامون حقوق زنان
فیصدی زنان در برابر مردان که در روندهای حل اختلافات و بازسازی بسته های اقتصادی
را دریافت میکنند
ترویج مفکوره جندر
اختتامیه و پیشنهادات

علامت های اختصاری (مخففات)	
شبکه زنان افغان	AWN
اداره هماهنگی کمک ها برای افغانها	ACBAR
اداره انسجام انجیوهای افغان	ANCB
نیروهای ملی امنیتی افغان	ANSF
برنامه صلح و آشتی مجدد افغانستان	APRP
کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان	AIHRC
ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان	ANDS
کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان	CEDAW
ریاست امور زنان	DOWA
محو خشونت علیه زنان	EVAW
تیم های مذاکره زنان	FETs
حکومت افغانستان	GoA
شورای عالی صلح	HPC
بیجا شده گان داخلی	IDPs
ایساف (نیروهای بین المللی کمک به امنیت)	ISAF
برنامه عمل ملی	NAP
برنامه عمل ملی برای زنان افغانستان	NAPWA
نا تو (سازمان پیمان اتلانتیک شمالی)	NATO
اهداف انکشافی هزاره	MDGs
وزارت دفاع	MOD
وزارت امور خارجه	MOFA
وزارت داخله	MOI
وزارت عدلیه	MOJ
وزارت کار، اموراجتماعی، شهدا و معلولین	MoLSAMD
وزارت امور زنان	MOWA
وزارت صحت عامه	MPH
تیم های بازسازی ولایتی	PRTs
خشونت جنسی و خشونت براساس جنس	SGBV
کمیسیون حقیقت یابی و آشتی مجدد	TRC
ماموریت همکاری ملل متحد برای افغانستان	UNAMA
قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد	UN SCR

معرفی

افغانستان که در قلب آسیا قرار دارد مرکز رقابت های ابر قدرت ها و محل دلچسپی سیاسی و جغرافیایی کشورهای همسایه در ادوار تاریخ بوده است. در جریان سی سال اخیر، افغانستان شاهد منازعات خشونت بار بوده که سبب تلف شدن و زخمی شدن میلیون ها ملکی گردیده و تمام زیربناها از بین رفته، و خشونت و سوء استفاده زنان افزایش یافته است. در یازده سال اخیر، منازعات جنبه جدید را به خود گرفته و بیشتر فعالین تلاش دارند که دست آوردهای ویژه نظر به رقیبان خویش داشته باشند.

منازعات خشونت بار عامل بزرگ بیجا شدن خانواده ها، مانع تلاش های انکشاف که به نفع مرد وزن است، رشد اقتصادی، و دست رسی به تعلیم و کار زنان و دختران در چنین شرایط بیشتر متاثر میگردند، زیرا فضای فعالیت در زندگی عامه برایشان، از سبب موانع فامیلی و اجتماعی بصورت جدی محدود میگردد. نگرانی برای مصونیت فیزیکی و اخلاقی، مشکلات اجتماعی و همچنان عدم حاکمیت قانون، و عقاید موجود که در چنین یک محیط نامصون زنان باید بیشتر از خانه ها بیرون نرود، باعث محدودیت فعالیت های عامه زنان میگردد. این یک واقعیت است که در منازعات زنان بیشتر به خشونت ها آسیب پذیر اند، نه تنها اینکه آنها به حملات طیارات بی پیلوت و حملات انتحاری مواجه میشوند، بلکه آنها بگونه ملکیت خانواده برای تجارت و تبادل، اختطاف، قاچاق، تجاوز جنسی، و یا دیگر انواع سوء استفاده روبرو اند. منازعات همچنان سبب متاثر شدن تمرکز اجتماع و خانواده ها در مورد دختران و زنان شده و آنها را منبع ناموس و مسؤل موقف اجتماعی و دولتمندی میدانند.

این گزارش نقاط کلیدی را که روش و وضعیت زنان را در افغانستان متاثر میسازد، بصورت فشرده توضیح میدارد، زیرا این موضوعات به قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد ارتباط میگیرد. شاخص های این گزارش به همکاری شبکه جهانی زنان برای ایجاد صلح انکشاف یافته و برای یافتن اطلاعات موجود در سرمیز و پژوهش های ساحوی در افغانستان استفاده گردیده است. مشابه به سال های گذشته، بدست آوردن اطلاعات کمی از وزارت ها یک چالش بزرگ به کارکنان ساحوی ما بود. نظارت و جمع آوری اطلاعات برای تعیین دست آوردهای ساختاری زنان در افغانستان در طول یازده سال گذشته مهم میباشد. بدون داشتن اطلاعات واضح، مشکل خواهد بود که دریافت، کدام دست آوردها را زنان به ادامه خروج قوای خارجی از دست خواهد داد. اگر ساختارهای که حاکمیت قانون، حکومت داری خوب، عدالت، صلح و امنیت را تضمین مینماید، مصونیت و انکشاف زنان را حمایت نمایند، در این صورت زنان افغان فرصت حقوق را که به دست آورده مترافق با موقف های تصمیم گیرانه خویش از دست خواهند داد.

A. نوعیت و طبیعت منازعه

در حالیکه عدم انکشاف در چند دهه در افغانستان یک نگرانی میباشد، منازعات سی سال تمام زیربناهای سیاسی و اجتماعی کشور را متاثر ساخته است. از سال 2001 به بعد، ادارات کمک های انکشافی و بشری، ادارت بین الحکومتی و ارگان های ملل متحد و دول تمویل کننده در احیا و ایجاد زیربناهای تخریب شده سیاسی و اجتماعی فعال بوده اند. مردان و زنان، دهات و شهرها، در چند دهه جنگ ها بگونه های مختلف متاثر شده و هر نوسان منازعات سبب متاثر شدن زندگی به نوع دیگری شده است. فعالین زنان و مردان که طرفدار حقوق زنان میباشدند، نه تنها نگران منازعات اند که سبب متاثر شدن زندگی زنان و دختران میگردد، بلکه نگران اند که دست آوردهای مصونیت و حقوق تساوی زنان که توسط قانون اساسی تضمین گردیده است در جریان روند صلح و انتقال جاری و خروج قوای خارجی، از دست خواهند داد.

در جریان یازده سال گذشته خشونت در مناطق جنوب و شمال کشور بین قوای آیساف-ناتو، قوای افغان و طالبان و دیگر گروه‌های شورشی به شدت جریان داشت. طالبان توسط حملات انتحاری و یا بصورت فزیکتی در ساحات ملکی داخل گردیده و حملات را راه اندازی مینمایند تا به حکومت افغانستان، آیساف-ناتو، کشورهای غربی، و یا افغان‌های ملکی درس عبرت دهند. تلاش‌های ناتو برای مقابله با چنین عناصر شورشی سبب کشته شدن ملکی افغان توسط طیارت بدون پیلوت شده اند.

تلاش‌های صلح چند جانبه ميباشد، مگر در مورد آن جزییات محدود و بعضی اوقات متضاد ميباشد. ایالات متحده امریکا و حکومت افغانستان دعوی مینمایند که با طالبان در مذاکره اند، مگر طالبان این ادعاها را مکرراً رد نموده اند.

در حالیکه پاکستان دعوی دارد که روند صلح را در افغانستان حمایت مینماید، مگر نظر به منافع استراتژیکی شان، معلوم میشود که آنها حمایت کننده بزرگ طالبان و دیگر گروه‌های شورشی ميباشند. دخیل بودن هندوستان در برنامه‌های انکشافی افغانستان در احساس عدم مصونیت پاکستان از جانب افغانستان را بیشتر نموده است. در سال‌های اخیر، پاکستان خواهان نفوذ و قدرت بیشتر در چگونگی جنگ ایالات متحده علیه دهشت افگنی و روند صلح بین حکومت افغانستان و طالبان شده است.

Please add a section on “B. Impact of Conflict on Women” explaining access to education and job opportunities, SGBV, and actions taken by women in WPS issues (you can bring ‘women’s activism’

B. تاثیرات منازعات بالای زنان

با وجود اسناد‌های بنیادی، بعد از یک دهه فعالیت‌های علمی انکشاف‌های بزرگ در زندگی زنان به وجود نه آمده. مصونیت زنان از طریق حاکمیت قانون و یا میکانیسم رسمی عدالت، و شامل سازی زنان در تصمیم‌گیری ضعیف بوده. در حالیکه قانون اساسی حقوق مردان و زنان را مساوی دانسته و احترام به حقوق بشر را تضمین نموده است و مساوات جنسیت اجتماعی یا جندر را با اهداف انکشافی یکجا نموده، مگر قوانین تصویب شده در این اواخر این ارزش‌ها را تضعیف نموده است. قوانین مانند قانون احوال شخصیه شیعه و قانون عفو، دست آوردهای زنان را که توسط قوانین بدست آورده بودند، تضعیف نمود. چنین قوانین زنان را پاینتر و طبقه دوهم نشان میدهد که محتاج سیستم مرد سالاری و قوانین و عدالت آنها ميباشد. حالت از این بدتر خواهد گردید، در صورتیکه روند انتقال و اخراج قوای خارجی ادامه یابد که سبب سردرگمی فعالین زنان در مورد حقوق بشر شده اند که در صورت صلح با طالبان و دیگر گروپ‌های شورشی حقوق آنها تلف خواهد شد، زیرا آنها در مورد تلف شدن حقوق زنان توجه خاص ندارند.

افزون بر موانع منازعات و روند صلح که علیه دست آوردهای زنان قرار دارند، تعداد زیاد از روش‌های کلتوری وجود دارد که در اجتماعات افغانستان برای حاکمیت قانون استفاده میشود. این روش‌ها و فعالیت‌ها از حساسیت‌های کلتوری منشه گرفته و به اساس روش‌های اخلاقی در اجتماعات تعیین شده است که توسط آن روش‌ها را بین خانواده، جندر و نسل‌ها نگهداری مینماید. نفوذ از اخلاقیات قومی، و مفاهیم ناموس و شرم عناصر کلتوری اند که سبب کنار ماندن زنان افغان گردیده است. زنان و دختران اساس ناموس و شرم خانواده ميباشد، و ارتباط آنها به بیرون از دیوارهای خانه سبب تاثیر مثبت و یا منفی به ناموس و شرم خانواده شده میتواند. اگر خانواده یا اجتماعات احساس کند که زنان از حدود تعیین شده خارج شده اند، ممکن با مجازات خشونت بار و یا ازدواج اجباری مواجه گردند، تا ناموس خانواده را نگهداری نماید. بیشتر از این موارد به مذهب ارتباط نداشته و همه خانواده و افراد نیز در مورد این موضوعات از نظر مذهبی توجیه مینمایند. با وجود آن، روش اذهان، ناموس و شرم سبب مانع دست رسی زنان به زندگی عامه و خصوصی شده است. این حالت سبب

محدودیت فعالیت زنان در ادارات و رفت آمد به وقت و ناوقت به دفتر شده است، که سبب کاهش قابلیت آنها برای اشغال موقوف های پر مسولیت و تصمیم گیری گردیده، و نیز نمیتواند که ازدواج را به خواست خویش نمایند، و یا در صورت مواجه شدن با خشونت های خانواده و یا تجاوز جنسی کمک های عدلی را تقاضا نمایند. در نتیجه، زنان از حقوق اساسی بشری در سیستم اجتماعی محروم اند، و زنان بگونه قربانی دانسته نشده، بلکه، عامل تسهیل کننده برای مشکلات اجتماعی شناخته میشود.

زنان که مصونیت قانونی و یا عدالت میخواهد، بیشتر اوقات به آن دست رسی نمایند. استفاده از عدالت غیررسمی در حل قضایای اجتماعی معمول است، و بیشتر اوقات زنان و دختران برای جرایم خویشاوندان مرد خویش مجازات میشوند. بد دادن در اجتماعات کشور معمول است، و همچنان بدل کردن نیز در کشور معمول بوده و زنان را بگونه ابزار تجاری و هماهنگی اجتماعی استفاده مینمایند. زنان برای ادای جرایم ناموس و یا قروض در بد داده میشود، در حالیکه بدل برای تضمین روش خوب متقابل با زنان و هماهنگی بین خانواده ها صورت میگیرد. در اجتماعات دهات عدالت غیررسمی بصورت قوی فعال میباشد، و سبب آن عدم میکانیزم عدلی رسمی، فساد و عدم اعتماد بالای حکومت و عناصر ناموس و شرم میباشد. زنان بصورت جدی در عدالت غیر رسمی از نظر دور میمانند، زیرا سران اجتماع در قضایا به اساس قوانین عرفی و باورهای کلتوری در مورد حقوق زنان و عدالت تصامیم اتخاذ مینمایند. در این پروسه ها حقوق زنان که از نظر اسلام و حقوق بشر جهانی داده اند، پایمال میگردد. در سال 2010، وقتیکه قانون سازان افغان تلاش ورزیدند که محاکم غیررسمی را تا حد رسمی و جنبه قانونی دهد، قانون دانان دیگر و فعالین در مورد نگرانی های خویش را ابراز نمودند که ساختار عدالت غیر رسمی نه قوانین افغانستان و نه اسلامی را تطبیق مینماید.

زنان در حاشیه خروج قوای خارجی خاموش نه نشسته اند. شبکه زنان افغان، همراه با فعالین حقوق بشر و زنان، تلاش های دادخواهی خویش را برای زنان و دختران که به سیستم عدالت با کفایت محتاج اند، ادامه میدهند. در سال های اخیر، فعالین زنان تمرکز خویش را جهت بدست آوردن عدالت به قربانیان خشونت های خانوادگی و تجاوز جنسی و ازدیاد حضور زنان در بخش تصمیم گیری در حکومت مبدول نموده است. موسسات غیردولتی داخلی برای عملی ساختن حقوق بشر، جندر، حقوق مدنی و تعلیم و تربیه در دهات و ولسوالی های کشور، فعالیت مینمایند. زنان در پارلمان بصورت قانون سازان فعالیت دارند و یک تعداد آن به موقوف های وزارت و ادارات حکومتی ایفای وظیفه مینمایند. مگر این دست آوردها بار ها شیوع خشونت های خانوادگی، جنسی و جندر را کاهش نداده است. هر ماه گزارشات در مورد تجاوز جنسی و یا قتل یک زن و یا دختر در رسانه ها گزارش داده میشود، که سبب عکس العمل فعالین و بعضی اوقات از حکومت میگردد. در سال های گذشته، سازمان های زنان با هم دست داده و با اداره رئیس جمهور کرزی و والیان صحبت نموده تا علیه خشونت های جنسی، جندر و خانوادگی اقدام نمایند.

C. پالیسی های مربوط

افغانستان بصورت بخش از کشورهای جامعه بین المللی، به اعلامیه ها، کنوانسیون ها و قطعنامه های ملل متحد، بشمول حقوق زنان و حقوق بشر، متعهد است. در بین اینها کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد، و قطعنامه های مربوطه 1820، 1889، و 1960 شامل میباشد. تلاش های ملی از جانب حکومت در جریان است تا جندر را در وزارت ها، برنامه ها، و بودجه شامل سازد، و حقوق زنان بخصوص حق تعلیم و مصونیت از خشونت را تضمین نماید. اسنادهای اساسی عصر انکشاف و ایجاد صلح فعلی افغانستان، شامل قانون اساسی سال 2004، استراتژی انکشافی ملی افغانستان، پلان کاری ملی برای زنان افغان میباشد. همچنان اسناد کمکی در مورد زنان عبارت از قانون منع خشونت علیه زن، و تلاشهای فعالی برای پلان کاری ملی به قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد میباشد.

قانون اساسی افغانستان توسط لویه جرگه قانون اساسی در سال 2004 در آغاز دوره رئیس جمهور کرزی تسوید و تصویب گردید. تمام محتوی و ارزش های آن منعکس دهنده نورم های حقوق بشر بین المللی میباشد، و مساوات زن و مرد را در مقابل قانون تضمین نموده است. مواد مهم قانون اساسی عبارت اند از ماده 22 که در آن آمده است ((هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند))¹ دیگر عناصر کلیدی عبارت اند از ترویج تعلیم زنان (ماده 44)، حمایه از زنان بیوه (ماده 53)، و تعهد

¹ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، 2004،

حکومت جهت تضمین بهبود وضعیت اطفال و مادران (ماده 54) میباشد. در ماده 83 و 84 قانون اساسی، دخیل بودن زنان را در روند سیاسی تضمین نموده است و در ولسی جرگه برای هر ولایت دو چوکی را برای زنان مختص ساخته است، و همچنان یک سه تمام کرسی ها را در مشرانو جرگه برای زنان اختصاص داده است.² این مواد استدلال بنیادی برای توسعه و مصونیت زنان و حقوق بشر و دادخواهی تلاش های شبکه زنان، دیگر فعالین جامعه مدنی و اعضای پارلمان را ساخته است.

استراتژی انکشافی ملی افغانستان در سال 2008 برای تحقق اهداف انکشافی هزاره، که توسط جامعه بین المللی تعیین شده بود، آغاز گردید، همچنان شاخص های تعهد افغانستان³ با در نظر داشت پلان کاری زنان افغان (در ذیل بحث شده است)، یکی از موضوعات فراگیر ستراتیژی انکشافی ملی افغانستان تساوی جندر میباشد، که باید در تطبیق این استراتژی در بخش های انکشاف، فقر، ثبات اقتصاد بزرگ، و استخدام و غیره در نظر گرفته شود. همچنان شامل سازی جندر در بودجه یک موضوع قابل تمرکز به وزارت ها و ادارات میباشد، تا با این اهداف انکشافی همنا باشد. مگر، این روشن نیست که تا کدام حد این برنامه موفق بوده، و تا چه حد تا ضرب الاجل 2013 آن تکمیل خواهد شد.

پلان کاری ملی برای زنان افغان، یک سند مهم است که از طرف حکومت برای تغییرات مثبت زنان انکشاف داده شده است. این سند را کابینه در سال 2008 منظور نمود، این پلان کاری بعد از چهار سال مشوره های متداوم با وزارت های مختلف، موسسات غیردولتی، و دیگر جوانب ذیدخل به دست آمده است. بگونه یک پلان ده ساله، پلان کاری ملی زنان افغان، اهداف انکشافی را برای جندر تعیین نموده اند، که برای دیدگاه و چوکات کاری خویش تمرکز را مشخص نموده اند. این سند نشان دهنده تعهدات افغانستان و اهداف انکشافی هزاره میباشد، و سند است که مختص به جندر بوده و بصورت کلی ستراتیژی انکشافی افغانستان را حمایت مینماید. هدف کلی پلان کاری برای زنان افغان از دیداد حضور زنان در سکتور عامه و حکومت میباشد که از طریق حمایه میکانیزم های تضمین مساوات زنان، بشمول تخصیص بودجه، پالیسی ها، استخدام و خدمات میباشد.

از سال 2011 حرکت های بطی از وزارت امور خارجه، وزارت امور زنان، جوانب دخیل جامعه مدنی، همراه با سفارت فنلند برای ایجاد یک ستراتیژی جهت تطبیق قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد آغاز شده است.

تحلیل و ارایه اطلاعات

اطلاعات توسط کارکنان شبکه زنان افغان در جریان چند هفته جمع آوری گردید. جمع آوری اطلاعات از سبب منابع تخنیکی، موانع زمانی، و شفافیت در وزارت ها محدود بود. شاخص های که در این گزارش استفاده شده است، با شاخص های که قبلاً توسط شبکه زنان افغان با حمایه GNWP انکشاف داده شده بود، مطابقت دارد. این قسمت دارای دو بخش است: اشتراک و ترویج و مصونیت.

اشتراک

شاخص 1. شاخص اشتراک زنان در حکومتداری

<http://www.afghanembassy.com.pl/cms/uploads/images/Constitution/The%20Constitution.pdf>

² قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، 2004

<http://www.afghanembassy.com.pl/cms/uploads/images/Constitution/The%20Constitution.pdf>

³ ستراتیژی انکشافی ملی افغانستان، کمیته نظارت و دارلانشا ستراتیژی انکشافی ملی و حکومت افغانستان 2008-2013

http://www.undp.org.af/publications/KeyDocuments/ANDS_Full_Eng.pdf

اشتراک زنان در حکومتداری به بخش های ذیل تقسیم گردیده است: به سطح ملی (کابینه، پارلمان، وزارت ها) و به سطح محلی (شوراهای ولایتی، والیان، شاروالان). در سال های گذشته، برای زنان در سطح ملی چالش بر انگیز بود که در سطح ملی در حکومت از سبب فشار های عامه و خصوصی برای مصونیت و عدم موجودیت فضا برای زنان، سهم شوند.

شکل 1.1: زنان در حکومتداری ملی (کابینه، پارلمان)

اطلاعات موجود از سال های گذشته نشان میدهد که بیست فیصد تمام کارکنان دولت را زنان

مردان	زنان	
1	0	رئیس جمهور
2	0	معاون رئیس جمهور
-	-	کابینه
24	3	وزرا
180	96	پارلمان

تشکیل میدهد⁴. در سطح ملی اشتراک زنان بصورت اصغری است، و محدود به وزارت ها و ادارات مشخص میباشد⁵. اشتراک به معنی موقف های که در آن تصمیم اتخاذ میگردد، نمیباشد. در حالیکه تنها سه زن در کابینه رئیس جمهور کرزی میباشد، مانند سالهای گذشته، اشتراک زنان در حکومت ملی محدود به چند وزارت مانند صحت عامه، امور زنان و وزارت خارجه میباشد. در وزارت های ویژه مانند دفاع و امور داخله، زنان در سطح ارشد وجود ندارد. در گذشته، زنان در پست های ارشد وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین وجود داشتند، که در عین زمان و زیر و معین آن زن بود. در دیگر وزارت ها

⁴ ارقام از احصاییه 2010-2009 افغانستان جمع آوری شده است. احصاییه مرکزی، مطبعه چاپی، سپتامبر، 2010، کابل، افغانستان، ص 12

⁵ ارقام از احصاییه 2010-2009 افغانستان جمع آوری شده است. احصاییه مرکزی، مطبعه چاپی، سپتامبر، 2010، کابل، افغانستان، ص 12

مانند وزارت امور زنان در تمام دوران وجود خویش زنان در پست های ارشد قرار داشتند. سبب این روش از فرضیه که زنان باید در امور مربوط به زنان را رهبری کنند و دیگر امور حکومتداری را به مردان بگذارند. این تلاش سبب مانع شدن شمول زنان به سطح وسیع در حکومت شده است.

با استفاده از اطلاعات سالهای گذشته، این آشکار است که حضور زنان در حکومت مرکزی بیشتر است، در حالیکه خارج از مرکز حضور زنان در موقوف های بلند قابل دید نیست.⁶ یگانه استثنا عبارت از ریاست های امور زنان اند که بازو های ولایتی وزارت امور زنان میباشد. این به دوه معنی است: هر قدر که از مرکز دور تر میشویم، استخدام زنان توسط حکومت کاهش میابد، و اینکه در مناطق دورتر از مرکز منازعات خشونت بار سبب شده که زنان بیشتر از قدرت سیاسی بدور بمانند.

سهیمه که اشتراک زنان را در تصمیم گیری تضمین مینماید، برای بدست آوردن اهداف انکشافی هزاره ایجاد گردید، و به اساس این سهیمه زنان به پارلمان و وزارت ها شامل گردیده است. در پارلمان به مقایسه 180 مردان، 69 تن زنان وجود دارد، که بیست و هفت فیصد چوکی را زنان تشکیل میدهد. این حالت به این معنی نیست که زنان مانند مردان در قانون سازی مستقل اند، و از موقوف که به رای مردم به دست آورده اند، بصورت آزادانه استفاده نموده میتواند. برعکس بیشتر زنان در مقابل بعضی از قوانین که علیه منافع زنان اند، عکس العمل محتاطانه نشان میدهد، در حالیکه دیگران به صورت لزومی در قانون گذاری به موضوع جندر تمرکز نمینماید.⁷

اشتراک در سطح ولایات بیشتر محدود است، عوامل تحدید کننده عبارت اند از دیدگاه عنعنوی در مورد کار زنان، تهدید به مصونیت زنان، و مسلط بودن ساختار فاسد قدرت برای زنان دشوار میسازد که ایفای وظیفه نمایند. اطلاعات سالهای گذشته نشان میدهد، که حضور زنان نظر به مردان کم رنگ میباشد. در سطح ولایتی، زنان تنها محدود به ریاست امور زنان میباشند، و چند تن در شوراهای محلی فعالیت مینمایند، در ولسوالی ها، زنان تنها در شوراها فعالیت مینمایند، مگر تصامیم آنها ارزش معادل تصامیم مردان را ندارد. روش کلی در اجتماعات چنین است که صدا و حساسیت های زنان معادل کیفیت سیاسی، شورای و موضوعات که اجتماع به آن روبرو اند، نمیباشد.⁸

⁶ قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان، مرجع: اطلاعات از احصاییه 2-12-2009 افغانستان جمع آوری شده است. احصاییه مرکزی، مطبوعه چاپی، سپتامبر، 2010، کابل، افغانستان، ص 12

⁷ قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان

⁸ قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان

شکل 1.2: زنان در حکومتداری محلی (شوراهای ولایتی، والی، شاروال، و غیره)

مردان	زنان	
33	1	والی
144	1	شاروال
298	121	شوراهای ولایتی
-	-	شاخه های وزارت ها در ولایات (ریاست امور زنان و غیره)

در حالیکه بعضی زنان در شوراهای محلی اشتراک مینمایند، دیگران در شوراهای صلح ولایتی مصروف اند، مگر اشتراک آنها صرفاً جنبه سیاسی دارد. تنها در ولایت بامیان و دایکندی زنان بصفت والی و شاروال ایفای وظیفه مینمایند.

زنان که در پارلمان و حکومت ایفای وظیفه مینمایند باید در مورد دادخواهی حقوق زنان و بشر محتاط باشند. زیرا خواسته های آنها ممکن است بگونه خواست آزادی غربی و یا ضد اسلام تلقی گردد. در بیشتر اوقات قانون سازان و وزرا، و آناتیکه مدافع حقوق زنان اند در اظهار نظر خویش محتاط اند و نظریات را ارایه میدارند که نشان دهنده تبعیض علیه زنان میباشد. زنان که در ولایت اجرای وظیفه مینمایند با محیط مشکلتر فعالیت نموده و بیشتر آسیب پذیر میباشند، زیرا حمایه خانواده و محیط کاری برای شان وجود نمیداشته باشد. در این اواخر، در جولای 2012، حنیفه صافی، رییس ولایتی امور زنان ولایت لغمان در یک انفجار موتر به قتل رسید و شوهر اش در حالت کوما به شفاخانه انتقال یافت.⁹ این دوهمین زن بود که در پست ارشد در ولایت برای زنان فعالیت مینمود، و به قتل رسید. اولین خانم صفیه عمه جان رییس امور زنان ولایت کندهار بود که در سال 2006 در برگشت از دفتر به منزل به قتل رسید.¹⁰ چنین کشتارهای پلان شده، سبب ترس بین زنان و خانواده آنها گردیده و سبب شده است که اکثر زنان نمیخواهند به پست های ارشد دست یابند.

⁹ سیاستدان زن افغان حنیفه صافی به قتل رسید، خبر بی بی سی. 13 جولای، 2012

<http://www.bbc.co.uk/news/world-asia-18832391>

¹⁰ (طالبان زن ارشد افغان را به قتل رساند) گاردین. 25 سپتامبر، 2006

<http://www.guardian.co.uk/world/2006/sep/26/afghanistan.gender>

تهدید خشونت و عدم امنیت سبب گردیده است که زنان برای کار دست رسی نداشته باشد و قابلیت خویش را بلند ببرند، و پست های ارشد را تجربه نمایند. عدم دست یابی به پست های ارشد زنان از سبب عدم ظرفیت و قابلیت زنان افغان نیست. بلکه از سبب محیط ترس و عدم اعتماد به آینده کشور است که ایا حقوق زنان در آینده عملی خواهد شد، که نبود آن از همه بیشتر زنان را متاثر میسازد. زنان که در موقف های ارشد در سطح ملی و یا محلی قرار دارند، به مقایسه مردان از فرصت ها محروم اند، و از رهبران ارشد دیگر نیز کدام حمایه ندارند، این حالت ممکن به چنین شکل ادامه یابد و یا ممکن از آن بدتر گردد، در صورتیکه قوای خارجی از کشور اخراج میشوند و روند صلح ادامه یابد.

شاخص 2- فیصدی زنان در گروهی مذاکره کننده صلح، و تحلیل موضوعات جندر در توافقات صلح

بحث ها و گزارش ها در مورد مذاکرات عقب دروازه های بند بین حکومت افغانستان و طالبان و عناصر طالبان و ایالات متحده امریکا وجود دارد. مگر طالبان چنین مذاکرات را و بصورت عموم مفکوره مذاکرات صلح را با حکومت افغانستان و یا ایالات متحده تأیید ننموده اند.¹¹ در مورد مذاکرات بین گروه های دخیل در منازعات خبرهای وجود داشت، مگر در مورد روش و عمق این مذاکرات روشنی وجود ندارد. در سال 2010 جرگه ملی مشورتی صلح، برای ایجاد صلح، روند صلح و یک جا نمودن و تاسیس شورای عالی صلح راه اندازی گردید. از سال گذشته، ایالات متحده تلاش خویش را برای ایجاد صلح از دید بخشیده است، تا قبل از خروج قوای خارجی منازعات داخل کشور حل گردد.¹² طالبان به مذاکرات کمتر علاقمندی نشان داده اند، و حکومت افغانستان در این انکشاف دخیل نمیباشد. این حالت غیر مشخص سبب گردیده است که زنان را به فکر و دارند تا به کدام جوانب در مورد دادخواهی حقوق شان بحث نمایند.

با در نظر داشت روش طالبان با زنان، این ممکن نخواهد بود که زنان بصورت مستقیم در مذاکره با طالبان شامل باشد، و یا مذاکره کننده ارشد بین دو گروه زن باشد. این حالت باز هم زنان را از اشتراک در جرگه صلح 2010 برای صلح افغانستان و برنامه یکجا سازی مانع نگردید، که به اساس آن شورای عالی صلح فعالیت مینماید. از 1668 تن اشتراک کنندگان جرگه صلح، 21 فیصد آن زنان بود و این اولین بار بود که زنان در بحث های ملی برای آینده کشور، اشتراک نمودند.¹³ در این جرگه زنان توانستند که در مورد موضوعات مربوط به افغانستان و زنان بحث نمایند. و درخواست مصونیت زنان در جریان مذاکرات صلح را نمایند¹⁴ در بین این خواست ها نگهداری حقوق حاصل شده زنان، شامل ساختن و اشتراک زنان در پالیسی ها و اجندا در مورد جنسیت اجتماعی و عدالت اجتماعی بود.

¹¹ قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان، مرجع: ((طالبان مذاکرات صلح را با غرب رد نمود))، دیلی تایمز، 7 جولای، 2011

http://www.dailytimes.com.pk/default.asp?page=2011%5C07%5C07%5Cstory_7-7-2011_pg7_5;

((طالبان تقاضای مذاکره اخیر کرزی را رد نمود)) خبرهای طلوع، 29 سپتامبر، 2010

<http://tolonews.com/en/afghanistan/641-taliban-rejects-latest-karzai-peace-approach->

¹² گیران انن ((ایالات متحده امریکا و پاکستان مشترکاً میخواهد که مذاکرات صلح را با طالبان تقویت بخشد)) واشنگتن پست، 21 سپتامبر،

http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-pakistan-plan-joint-effort-to-boost-peace-talks-with-taliban/2012/09/21/2ebd1d1c-03f8-11e2-9b24-ff730c7f6312_story.html

¹³ قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان،

مرجع:

¹⁴ قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان،

مرجع: فشرده فصل افغانستان، دیده بان حقوق بشر. جنوری 2011

در کنفرانس کابل، که به تعقیب جرگه صلح راه اندازی گردید، زنان برای تضمین حقوق خویش در مقابل رهبران افغان و جامعه بین المللی ایستاد شدند و تقاضا نمودند که در مذاکرات صلح به حقوق شان معامله صورت نگیرد. به آن هم، رهبران جهان، بدون وضاحت شامل سازی جنگجویان طالبان را در روند صلح تایید نمود بدون آنکه در مورد چگونگی حقوق زنان توجه دهد.

شکل 2.1: زنان در شورای عالی صلح و شوراهای ولایتی صلح

مردان	زنان	
61	9	شورای عالی صلح
-	75	شورای صلح ولایتی
-	4	برنامه صلح و شامل سازی افغانستان (APRP)

به تعقیب جرگه صلح 2010، شورای عالی صلح تاسیس گردید، که بصورت دارالانشا مشترک برای نظارت برنامه صلح و شامل سازی افغانستان و راه اندازه مذاکرات صلح با طالبان و دیگر شورشیان را بدوش گیرد. در حالیکه شورای عالی صلح به سطح ملی، بخش های ولایتی آن نیز در سطح ولایت فعالیت مینماید که بنام شورای ولایتی یاد میگردد، و نظارت برنامه صلح و شامل سازی و مذاکرات را به سطح ولایت را بدوش دارد. برنامه صلح و شامل سازی برای نظارت یکجا سازی جنگجویان اسبق طالبان و دیگر شورشیان ایجاد گردید، و همچنان تدارک امتیازات برای این جنگجویان تهیه دیده شود، تا در برنامه بمانند، تعداد زنان کم است

حضور زنان در برنامه های صلح بصورت خودکار به معنی مصونیت حقوق زنان قربانی شده در منازعات نمیباشد. در اواخر 2011، در ساختار برنامه صلح و شامل سازی یک پلان کاری برای پالیسی جندر معرفی گردید، تا نقش زنان را در روند صلح و ازدیاد آگاهی مردان ر در مورد اهمیت صلح بیان دارد. این پلان کاری دارای عناصر نظارت اند که موفقیت برنامه به اساس اشتراک زنان در پروسه صلح خواهد بود.¹⁵

شوراهای صلح ولایتی به تدریج در 34 ولایات کشور تاسیس میگردد، که هدف آن بمیان آوردن مذاکرات به سطح محلی میباشد، و صدا های محلی را به دارالانشا کابل انتقال دهد. اشتراک زنان در این شوراها نیاز است، مگر این واضح نیست که تا چه حد زنان در این شوراهای ولایتی سهیم گردیده اند.

در حال حاضر تعداد اعضای این شوراها معلوم نیست، با آنکه شبکه زنان افغان توانست که در مورد ولایت هرات معلومات بدست آرد، به اساس معلومات در شورای صلح ولایت هرات 3 زن میباشد.¹⁶ بعد از قتل رییس جمهور سابق و رییس شورای عالی صلح در 2011 و شبکه زنان افغان نگرانی بیشتر را در مورد مصونیت زنان که در شوراهای ولایتی

¹⁵ ((پالیسی جندر برای برنامه صلح و شامل سازی افغانستان)) دارالانشا مشترک، سپتامبر، 2011، کابل، افغانستان

<https://www.cimicweb.org/cmo/afg/Documents/Reports/APRP%20Gender%20Policy%202011.pdf>

¹⁶ معلومات از سمیرا حمیدی رییس اسبق شبکه زنان افغان بدست آمده است. اگست، 2012

عضویت دارند، میبیند، که تا حال از طرف حکومت و دارالانشا مشترک کدام اقدام صورت نگرفته است.¹⁷ افزون بر آن، شورای عالی صلح نظر به سال های گذشته کمتر علاقمند است که با فعالین زنان در مورد نگرانی ها شان در روند صلح صحبت نمایند.¹⁸

شاخص 3- شاخص اشتراک زنان در سکتور عدلیه، امنیت و ماموریت های حافظ صلح

سکتور عدلی

به ادامه منازعات و دیگر ظلم های که با خشونت یکجا میباشند، افغان های ملکی بخصوص زنان با تجاوز، خشونت و تبعیض همواره روبرو اند. این یک واقعیت است که بخش از کلتور اجتماع میباشند. بجای آن، سیستم عدلی بصورت کامل در تطبیق حاکمیت قانون و سیستم عدالت رسمی ناکام مانده است. از این جهت خانواده ها با دختران خویش تجارت مینمایند، و با خشونت های خانوادگی روبرو اند، متجاوزین جنسی از معافیت برخوردار اند، و افراد که مرتکب جرایم علیه زنان میشوند، بسیار کم آنها محکوم به مجازات میگردند.

در ارگانهای عدلی و قضائی نقش زنان در سطوح رهبریت کم رنگ است، در مذاکرات با اشخاص که در ستره محکمه فعالیت مینمایند، شبکه زنان افغان توانست که از عدم اشتراک زنان در بست های قضات و دیگر بست های ارشد معلومات بدست آرد.¹⁹ تبعیض علیه زنان و روش مردسالاری قضات مرد در ستره محکمه نقش عمده را در نبود قضات زن بازی نموده است. این تبعیض از عقیده نادرست که در اسلام زنان حق قاضی شدن را ندارد، به وجود آمده است، و اینکه زنان ذهن ضعیف دارد و قابلیت تصمیم گیری را ندارد، و زنان به اساس احساسات تصمیم اتخاذ میدارد و بیشتر از منطق و عقل کار نمیگیرند. به اساس عقاید فوق و موضوع عدم ظرفیت زنان به صفت قضات، دلیل شده نمیتواند که زنان نقش قضات را ایفا نمایند، زیرا زنان زیاد وجود دارند که محصلین حقوق و شرعیات اند و به نقش خرنوالان ایفای وظیفه مینمایند. افزون بر آن، با وجود دادخواهی مستقیم اخیر بعضی اعضای پارلمان و فعالین جامعه مدنی با رییس جمهور کرزی و قاضی القضاات ستره محکمه جهت استخدام یک زن قاضی در ستره محکمه افغانستان، کدام پاسخ به وجود نیامده است.

قوای امنیتی افغان

قوای امنیتی افغانستان از اردو و پولیس ملی افغان، وزارت های دفاع و داخله، ریاست امنیت ملی تشکیل گردیده است. در حالیکه تدارکات اردوی ملی قبل از ضرب الاجل تعیین شده ناتو تا اکتوبر 2012 به 195,000 تن رسیده است، در بین این قوا 350 تن زنان وجود دارد، که سه تن آنها برای پست پیلوتی در بین قوای قدرتمند 5,728 تن هوایی نیز زنان میباشند. در بین 149,208 پولیس استخدام شده، 1,370 تن زنان میباشند.²⁰ هدف حکومت افغانستان این است که 10 فیصد قوای امنیتی کشور را زنان تشکیل دهد، مگر به اساس معلوماتی فعلی قوای ناتو، نقش زنان که در این دو اداره به پیش میبرد، مشخص نیست، مگر گزارش های دیگر نشان میدهد که بیشتر زنان نقش های لوژیستیک و اداری را ایفا مینمایند. پولیس زنان، در واحد پاسخدهی خانواده و دیگر وظایف که پولیس باید با زنان قربانی جرایم شده اند، سر کار داشته باشند، فعال اند.

شکل 3.1: زنان در قوای امنیتی افغان²¹

Ibid¹⁷

Ibid¹⁸

¹⁹ معلومات از سمیرا حمیدی رییس اسبق شبکه زنان افغان بدست آمده است. اگست، 2012

²⁰ قوای امنیتی ملی افغانستان: آموزش و انکشاف: پیشینه رسانه های ناتو، 16 می، 2012

http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_topics/20120516_media_backgrounder_ANSF_en.pdf

²¹ قوای امنیتی ملی افغانستان: آموزش و انکشاف: پیشینه رسانه های ناتو، 16 می، 2012

http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_topics/20120516_media_backgrounder_ANSF_en.pdf

فیصدی مجموعی	مردان	زنان	
0.179	194,650	350	اردوی ملی افغان
0.052	5,725	3 (کاندید به پیلوٹی)	قوای هوای افغان
0.918	147,838	1,370	پولیس ملی
0.492	349,936	1,723	مجموع

با آنکه زنان در قوای مسلح خدمات انجام می‌دهند، مگر روش در مقابل آنها در اجتماع و در قوای مسلح منفی است، و بیشتر به این عقیده اند که زنان برای اجرای فعالیت‌های عضلاتی و در ارتباط نزدیک با مردان نباید قرار داشته باشد.

ماموریت حافظ صلح در حال حاضر در افغانستان منازعات جریان دارد، و کدام ماموریت حافظ صلح در کشور وجود ندارد.

شاخص 4- تعداد و فیصدی زنان در بررسی‌های قانون اساسی و قضایی

بررسی قانون اساسی در افغانستان در چوکات شورای سراسری و یا لویه جرگه صورت می‌گیرد، که رهبران منطوقی، قومی و اجتماعی بشمول گروه‌های ذینفع از سرتاسر کشور گرد هم می‌آیند. بررسی قانون اساسی در سال 2003 صورت گرفت که 500 تن نماینده‌های ملی در آن جرگه قانونی اساسی افغانستان را بررسی و تصویب کردند.²² از ولایات به تعداد 64 زن و 344 مرد به عنوان نماینده‌ها انتخاب شدند و با آن 25 تن مرد و 25 زن از جانب رییس جمهور کرزی انتخاب گردید. و همچنان 15 فیصد از زنان در میان 42 نماینده از گروه‌های مهاجرین، بیجا شدگان داخلی، سکها و هندوهای افغانی، و کوچی‌ها پیشنهاد شدند.²³ دخیل نمودن زنان در این جرگه عرفی تصمیم‌گیری فقط به عنوان سند خرسندی ایالات متحده و جامعه جهانی خوانده شد.²⁴ به زنان سو ظن میشد و بسیاری از آنها حتی نتوانستند مسوده قانون اساسی را مرور کنند. باوجود این، گروه‌های زنان، نهاد‌های حقوق بشر، و جامعه جهانی توانستند موفقانه برای شمولیت مساوی زنان در قانون اساسی جدید دادخواهی نمایند.

شکل 4.1: بررسی قانون اساسی

نماینده‌ها	زنان	مردان	فیصدی زنان
ولایات	64	344	18.6

²² قطعنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان، مرجع: فشرده فصل افغانستان، دیده بان حقوق بشر. جنوری 2011

²³ متن فرمان رییس جمهور در مورد لویه جرگه قانون اساسی. 2003 from

<http://www.constitutionnet.org/files/textofpresidentialdecreeonconstitutionalloyajirga1.pdf> livepage.apple.com

²⁴ انتخاب فرد، کامله، ((بحث در مورد قانون اساسی به قهر کشید)). Euraisannet.org هشت دسامبر، 2003
<http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav120903a.shtml>

نماینده ها	زنان	مردان	فیصدی زنان
منتخب	25	25	50.0
گروه های ویژه (15 فیصد زنان)	6	36	15.0
مجموع	500		23.5

در حین زمان، بررسی قضا و قوانین از روندهای است که عموماً میان گروه های حقوق بشر و حقوق زنان، پارلمان، وزارت عدلیه، و ستره محکمه دایر میشود. پالیسی ها از وزارت عدلیه، پارلمان و دفتر رییس جمهور منشه گرفته و بعداً به مرحله مرور و یا رد داخل میشود. در زمان وقوع این روند، کمیته های بررسی مرور و تعدیل پالیسی و قوانین را روی دست میگیرند. قوانین و پالیسی هاییکه از جانب وزارت عدلیه ارسال میشود، باید تحت بررسی کابینه قرار گرفته و بعداً به پارلمان جهت رای و مرور بیشتر فرستاده شود. بررسی قضایی بر اساس قواعد حقوق بین المللی بشر، قانون اساسی افغانستان و قانون اسلامی استوار است. در حالیکه، قوانین و پالیسی هاییکه تصویب میشود کاملاً با نیاز های این سه قانون سازگار نمیباشد. در سال های اخیر، تلاشهای متعددی صورت گرفته تا حقوق زنان را که از طریق قانون شیعه احوال شخصیه و مقررہ مراکزحمایوی تامین میشود، محدود سازند. وزارت عدلیه و عناصر دیگر سعی نمودند پناه گاهای زنان را تحت کنترل حکومت در آورند، تا برخورد با زنان را در چنین پناه گاهای کنترل نماید.²⁵ در نتیجه دادخواهی شبکه زنان افغان، وزارت امور زنان و فعالین دیگر حقوق بشر پیشنهادات را طرح نمودند و مسوده قانون چندین بار بررسی و مرور شد و بالاخره با تصویب کابینه بشکل قانون در آمد.²⁶

شاخص 5- نهاد های جامعه مدنی در نیروی کاری UNSCR 1325

بعضی نهاد های جامعه مدنی نقش کلیدی را در ادامه به کمکهای شان به اجتماعات و دولت بازی کرده اند، و برای بهبود شرایط مختلف اجتماعی و انکشافی تلاش ورزیده اند. از جمله فعالیت هاییکه نهاد های جامعه مدنی انجام داده اند، داد خواهی برای حقوق زنان و حل اختلافات در سطح ریشه آن میباشد.

شکل 5.1: اعضای کمیته برنامه کاری ملی افغانستان UNSCR 1325²⁷

مجموع	اشتراک کنندگان کمیته از
20	حکومت

²⁵ قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان، مرجع: فشرده فصل افغانستان، دیده بان حقوق بشر. جنوری 2011

²⁶ معلومات از سمیرا حمیدی رییس اسبق شبکه زنان افغان بدست آمده است. اگست، 2012

²⁷ معلومات از ریاست های حقوق بشر و روابط بین المللی زنان وزارت امور خارجه بدست آمده است.

مجموع	اشتراک کنندگان کمیته از
2	نهادهای جامعه مدنی

در سال 2011، وزارت امور خارجه با حمایت از جانب دولت فنلند، کار را برای توسعه برنامه ملی کاری بالای SCR 1325 ملل متحد آغاز کرد. بخش از مرحله اول این کار ایجاد کمیته های تخنیکي و هييت رهبري بود که از اشتراک کنندگان حکومت و جامعه مدنی تشکیل گردید. کمیته هييت رهبري موظف شد تا از ایجاد برنامه کاری ملی نظارت بعمل آورد، و اشتراک کنندگان این کمیته را مقامات ارشد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، شبکه زنان افغان، شورای عالی صلح، و معین های وزارت های امور زنان، صحت، امور داخله، دفاع، و عدلیه تشکیل دادند. گروپ کاری تخنیکي برای ایجاد برنامه کاری بمنظور توسعه برنامه کاری ملی موظف گردید. اعضای این کمیته را افراد در مقام ریاست وزارت های فوق الذکر تشکیل میدهد.²⁸

در سال 2012 با همکاری نهاد های تمويل کننده، شبکه زنان افغان با مقامات دولتي و فعالين جامعه مدنی گرد همایی مشورتي را در سه ولایت بزرگ چون هرات، کابل و مزار شريف دایر نمود. این مذاکرات برای بلند بردن آگاهی پیرامون مفهوم SCR 1325 ملل متحد، ارتباط آن با افغانستان و اجرای پیشنهادات اشتراک کنندگان برای دقت در مورد روند برنامه کاری ملی، تمرکز داشت.²⁹

جلوگیری و محافظت

شاخص 6- درجه خشونت های جنسی و مبتنی بر جنسیت اجتماعی و فیصدی مواردیکه تحقیق و محاکمه شده اند

شکل 6:1: خشونتهای جنسی و مبتنی بر جنسیت اجتماعی³⁰

²⁸ Ibid

²⁹ یعقوبی لیدا (ورکشاپ مشورتي دور روزه در مورد تطبيق قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد، در افغانستان)) گزارش تفصیلی پروژه، می، 2012.

³⁰ از دیتابیس ریاست حقوقی وزارت امور زنان

2011	2010	2009	نوع
13	10	62	قتل
69	69	69	سو استفاده
25	51	51	سو استفاده جنسی و تجاوز جنسی
50	50	291	سقط
27	27	51	انکار از دارایی از جانب خسران
26	26	30	بد و بدل
90	46	31	مجبور به ترک خانه
119	119	119	خود سوزی
37	n/a	2	انکار از میراث
23	23	23	خود کشی
71	59	890	خشونت فیزیکی
46	46	122	ازدواج اجباری
596	526	1718	مجموع

شکل 6.2: موارد خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت اجتماعی 2009، 2010، 2011³¹

نوع قضایا	Total
حل قضیه	354
ندارک مواد حقوقی	148
برگشت دوباره به خانواده	253
مشوره خانوادگی	405
قضایای حل شده	270
قضایای ثبت شده	1,510
راجع نموده قضایا به سکتور عدلی و جنایی	2,000
مجموع	4,940

اطلاعات از لحاظ کمیت برای این شاخص کافی نمیباشد. درحلیکه معلومات در اشکال 6.1 و 6.2 از جانب وزارت امور زنان فراهم شده بود، و روشن نیست چگونه تمام این مجموعه ها توسط ریاست حقوقی شان و بعضی نهاد های مسول دیگر ثبت و تجدید شده است. علاوه بر آن، قسمیکه در شکل 6.1 مشاهده میشود، هیچ تناسب منفی یا مثبت در قضایا میان 2009 و 2010 وجود ندارد. و ارقام در تغییر بوده از موارد خشونت های جنسی و مبنی بر جنسیت اجتماعی که توسط وزارت امور زنان به آن رسیدگی صورت گرفته باشد یک تصویر دقیق را ارایه نمیکند. علاوه بر این ارقام، اطلاعات کمیتی قابل استفاده دیگر که توسط وزارت خانه ها فراهم شده باشد نیز وجود نداشت.

چونکه زنان در سایر نزاع ها در بخش دوم و غیر ضروری قرار میگیرند، و بخاطریکه برخورد های مردسالاری، تساوی زنان با مردان را از لحاظ مساوات، اخلاقیات و اهمیت رد میکند، بدینوسیله زمانیکه اعمال زشت و شیطانی مانند تجاوز جنسی، خشونت جنسی، تهدید و ترسانیدن صورت میگیرد، اکثریت در اجتماع ندرتا به ان به دیده جرم نگریده و از گزارشدهی، تحقیق، محاکمه و جزا به آن خود داری میکنند. و قسمیکه در افغانستان صورت میگیرد، جنایتکاران، متجاوزین، و قاتلین زنان، دختران و خواهران با معافیت از جزا برخوردار میشوند. نه مقامات محلی و نه هم فدرال از برخورد با زنان منحيث دارای و مال که خرید و فروش، تبادل، تجارت و از بین برده میشوند دفع و تحفظ کرده نمیتوانند. در بیشتر از سی سال جنگ خشونت آمیز و بخاطر عقاید مرد سالاری که در فرهنگ افغانی به قرن ها و شاید هم در چند مدتی در آینده وجود داشته، وجود زنان، نهاد ها و حریم شان بشکل مداوم هدف قرار داده شده است.

خشونت علیه زنان در دهه گذشته نه رو به رکود بوده و نه هم رو به اختتام. بعوض آن، هر سال فعالین زنان و حقوق بشر در برابر گزارش های که از سو استفاده شدن، حمله و تجاوز بر زنان و دختران و کشته شده آنها خبر میدهد، متحیر میشوند. باوجود پوشش از بعضی این جرایم در خبرهای شام، اکثریت کسانیکه بالای شان خشونت های جنسی و مبنی بر جنسیت اجتماعی صورت گرفته، خاموش و پنهان اند. بنا بر بی اعتنائی مقامات و احتمال بیش از حد دستگیر و زندانی شدن به علت زنا و جرایم دیگر، اکثریت از قربانی شده گان از قضیه های شان خبر نمیدهند. بعضی ها کوشش میکند با استفاده از کروسین خود را سوختانده و خود کشی نمایند، و بعضی ها خاموش بوده در غم و رنج بسر میبرند. در کمتر شرایط، بالخصوص بخاطری جلب مطبوعات در قضیه، رییس جمهور و دیگران در حکومت او به این مسایل توجه میکنند. حتی در آن زمان نیز قضیه تا قضیه است، بجای اینکه سعی

³¹ از دیتابیس ریاست حقوقی وزارت امور زنان

بیشتر بخرج دهند تا پولیس ولایات را به جدی گرفتن قضایای خشونت‌های جنسی و مبنی بر جنسیت اجتماعی وادار سازند. قضیه ای لعل بی بی، خانمی که تحت تجاوز گروهی از جانب پولیس محلی افغان قرار گرفته بود، و یک برنامه موازی در سال 2010 ایجاد و از سوی وزارت امور داخله جهت از بین بردن عناصر شورشی در مناطق روستایی، راه اندازی گردید.³² لعل بی بی اولاً از خانه او که در ولایت قندز بود ربوده شد، مجبور به ازدواج با یکی از رباینده گان خود شده و بعداً قبل از دوباره بردن او به خانه اش چندین بار تحت تجاوز و لت و کوب قرار گرفت. تمام این واقعه برای انتقام از جرم پسر کاکای/عموی او صورت گرفت، که بالای دختر رهبر ملیشه تجاوز جنسی کرده بود و او هم بخاطر انتقام، ربودن و تجاوز بر لعل بی بی را طرح کرد. عکس العمل دولت، دستگیری افراد دخیل در قضیه و از بین بردن واحد پولیس های محلی آنها در قندز بود. این هیچ نوع تغییری در فرهنگ معافیت از جزا در مقابل قانون و مقررات، بالخصوص در قضایای خشونت‌های جنسی و خشونت‌های مبنی بر جنسیت های اجتماعی وارد نمیکند.³³

شاخص 7- تعداد و کیفیت پالیسی ها و قوانین به ارتباط پاسخگویی به مسایل جندر

قانون اساسی افغانستان مساوات میان زنان و مردان را تضمین میکند بشمول حق شان به تعلیم، و آزادی از ازدواج اجباری و خشونت پالیسی ها برای پاسخگویی به مسایل جندر اکثراً در چندی از اسناد کلیدی و یا قضایی وجود دارد که برای پاسخ به یک مسله از آن استفاده میشود. یکی از اینها قانون منع خشونت علیه زنان (EVAWLAW) میباشد که در سال 2009 توسط رئیس جمهور توشیح شد. باوجود این تاخیر، اجرای قانون محو خشونت علیه زنان از سال 2009 بشکل اندکی جریان دارد. بخش از این مشکل به سبب عدم موجودیت یاد داشت جامع از دست آوردهای مثبت برای زنان در قضایای خشونت علیه زنان بود و قسمتی دیگر آن به علت عدم خواست و توجه سکتور عدلی و امنیتی برای رسیدگی به چنین قضایا بر اساس قانون منع خشونت علیه زنان میباشد.

قانون محو خشونت علیه زنان قصد دارد تا " رسم و رواج هاییکه باعث خشونت علیه زنان و در تضاد با دین اسلام است محو کند (و) مسوولین خشونت علیه زنان را محاکمه نماید" که مرتکب جنایت چون تجاوز جنسی میشوند و باعث بوجود آوردن اعمال منفی

³² قوای امنیتی ملی افغانستان: آموزش و انکشاف: پیشینه رسانه های ناتو، 16 می، 2012

http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_topics/20120516_media_backgrounder_ANSF_en.pdf

³³ بیژن، فرو او نور محمد سهین. ((تجاوز جنسی عدلیه افغانستان را به آزمایش آورده است)). رادیو آزادی، پنجم جون، 2012

<http://www.rferl.org/content/rape-case-tests-afghan-justice/24604549.html>;

رابین، الیسا جی. ((قضیه تجاوز جنسی توجه را به پولیس محلی مبدول داشته است)). نیویارک تایمز، 27 جون، 2012

http://www.nytimes.com/2012/06/28/world/asia/afghan-rape-case-turns-focus-on-local-police.html?pagewanted=all&_r=0

فرهنگی نیز میشوند.³⁴ تحت این قانون، زنان حق دارند که در علیه تجاوز خواهان حفاظت شوند، مراقبت اضطراری دریافت نمایند، و در مورد تجاوز شان محرم نگهداشته شود، و همچنان شاهد محاکمه تجاوزگر باشد. سزای جرم تجاوز جنسی حبس ابدی و اگر متجاوز قربانی را قتل کند به سزای اعدام محکوم میشود. در حالیکه قانون محو خشونت علیه زنان تحفظ زنان و دسترسی شان را به عدالت افزایش میدهد، اما با مشکلات در عرصه اجرا و تطبیق روبرو است.³⁵ سایر از قضایا که در دایره قانون محو خشونت علیه زنان واقع میشود اصلاً گزارش داده نمیشود و یا هم اگر از آن خبر داده شود، توسط پولیس به میکانیزم عرفی حل مشکلات راجع میگردد، مانند محاکمه های غیر رسمی محلی که در آن گروه مردان گردهم آمده و در مورد قربانی و متجاوز تصمیم اخذ مینمایند.³⁶ تلاشهای اخیر حکومت بمنظور تنظیم پناه گاه زنان با مخالفت فعالین زنان روبرو گردید، که این نشان دهنده روش مسولین در مقابل زنان که مورد تجاوز قرار گرفته اند، میباشد.

اخیراً در یکی از جلسات پارلمانی پیرامون خشونت علیه زنان و اطفال، وزیر عدلیه حبیب الله غالب، مراکز حمایتی زنان را مکان فحشا و زنان پباهنده را منحیث فاحشه تعریف نمود، و ادعای کسانی را که به پناه گاهها بمنظور حفاظت رجوع میکنند رد نمود.³⁷ به علت تقاضای پوزش از سوی شبکه زنان افغان³⁸ و نهاد های دیگر، غالب یک هفته بعد معذرت خواست.³⁹

پالیسی های دیگر در ارتباط به پاسخگویی به مسایل جندر شامل برنامه کاری ملی برای زنان افغانستان (NAPWA) و استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS) میشود. باجودیکه حقوق و شمولیت زنان از طریق چنین اسناد تضمین شده است اما آنها کاملاً از سوی سکتور عدلی و امنیتی در حاشیه قرار گرفته اند.

³⁴ Ibid، ماده سوم، چهارم و پنجم

³⁵ در بین فعالیت های که به اساس قانون محو همه انواع خشونت ها علیه زنان جرم پنداشته شده است، عبارت اند از حمله تیزاب و یا سمیات، فحشای اجباری، زخم و یا معلولیت (در نتیجه خشونت فیزیکی)، خرید و فروش دختران و زنان، در بد و بدل دادن، ازدواج اجباری و ازدواج خورد سنی، مجبور ساختن به اعتیاد، مجبور ساختن به خود کشی و یا خود سوزی، و یا ایجاد شرایط که زن و یا دختر به انجام اعمال فوق گردد، مانع شدن از بدست آوردن میراث و ملکیت، منع دست رسی به کار و مکتب، و ازدواج بیشتر از یک زن بجز حالات که در قانون مدنی ذکر گردیده است.

³⁶ منزل طولانی برای رسیدن به هدف: تطبیق قانون محو خشونت علیه زنان در افغانستان، UNAMA/OHCHR، نوامبر، 2011
http://www.ohchr.org/Documents/Countries/AF/UNAMA_Nov2011.pdf

³⁷ عکس العمل قهر آمیز در مورد نظر وزیر در مورد فحشا). گالف نیوز، 19 جولای، 2012
<http://gulfnnews.com/news/world/afghanistan/outrage-at-afghan-minister-s-prostitution-comments-1.1037507>

³⁸ شبکه زنان افغان. اعلامیه در مورد اتهامات خانه های امن و پناهگاهی زنان. 18 جون، 2012
<http://www.afghanwomennetwork.af/Latest%20Updates/Declaration%20regarding%20the%20Accusations%20against%20the%20Safe%20Houses.pdf>

³⁹ شکایا ابراهیم خیل، (وزیر عدلیه در مورد سخنان توهین آمیز خویش درباره پناهگاهی زنان معذرت خواهی نمود)، خبر های طلوع، 26 جون، 2012
<http://www.e-ariana.com/ariana/eariana.nsf/allDocs/D03B8AEB517C5DD587257A2A002133B0?OpenDocument>

شاخص 8- تعداد و ویژه گی تدارکات/پیشنهادات در کمیسیون حقیقت مصالحه و گزارش های دیگر عدالت انتقالی پیرامون حقوق زنان.

در حال حاضر کمیسیون حقیقت و مصالحه و یا میکانیزم های عدالت انتقالی در افغانستان وجود ندارد. اجرای برنامه صلح و شامل سازی افغانستان برای مدغم سازی افراد مسلح اسبق در اجتماع یکی از برنامه های است که افغانستان در ارتباط به عدالت انتقالی در پیش رو گرفته است. در حالیکه، این برنامه دارای میکانیزم خاص برای رسیدگی به شکایات و یا پاسخدهی مجرمین به جنایات شان در برابر افراد ملکی وجود ندارد، بلکه این برنامه، جنگسالاران اسبق را از طریق انگیزه های اقتصادی متحد میسازد. و به این شکل شکایات اجتماعات از طالبان، افراد مسلح دیگر، جنگسالاران، مجاهدین و حتی کمونیست ها بدون رسیدگی و حل باقی میماند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC) آشکار ساخته است که افغانان میخواهند ناقضین حقوق بشر برای جرایم که علیه مردم مرتکب شده اند، پاسخ دهند و حسابده باشند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان میخواست یک پینل را به شراکت دفتر رئیس جمهور و UNAMA ایجاد نماید تا که برای توسعه استراتژی ملی پیرامون عدالت و مصالحه یک برنامه کاری را ایجاد نمایند. باوجود تلاش های زیاد شان، این برنامه از جانب حکومت کرزی دست کم گرفته شد و قانون عفو قوه قضاییه نیز به آن در تضاد بود، که به اساس آن کسانی که در دوران مجاهدین مرتکب جرم شده اند از جزا معافیت داده میشوند و البته شامل آنده افرادی نیز میشود که در دوران جنگ بشکل انفرادی مرتکب جرم شده اند و فعلا در دولت ایفای وظیفه میکنند.⁴⁰ در حالیکه قسمیکه برای مسایل دیگر چون حقوق بشر تلاش صورت گرفته برای این مسئله بشکل جدی داد خواهی صورت نگرفته، اما صداهای زیاد جهت حسابدهی جرایم مرتکب شده در جریان مراحل جنگ بلند شده است. در جریان کنفرانس توکیو در جولای 2012، نهاد های جامعه مدنی افغانستان از دولت افغانستان خواست جهت رسیدگی به مسایل صلح و امنیت به شکل بهتر، بالای برنامه عدالت انتقالی کار و توجه نمایند.⁴¹

قراردادهای عقد شده که از سی سال جنگ بدینسو در استفاده بود، چنین میکانیزم ها را در نظر نگرفته و همچنان هیچ نوع تلاش واقعی از جانب دولت فعلی برای روی دست گرفتن عدالت انتقالی بخاطر مردم افغان صورت نگرفته.⁴² در سال 2001، با اینکه توجه کشور های جهان دوباره به سوی افغانستان جلب شد، کنفرانس بن اولین برنامه بود که برای رسیدگی به ایجاد نظام سیاسی و نهاد های کاری حکومتداری برای مردم افغانستان روی

⁴⁰ قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان
⁴¹ سند موقف: تقاضای جامعه مدنی افغانستان در راستا کنفرانس توکیو برای افغانستان، هشت جولای، 2012

http://www.af.boell.org/web/Democratization-Demands_of_Afghanistan_Civil_Society_on_the_occasion_of_Tokyo_Conference_374.html

⁴² قطعهنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، اکتوبر، 2011، کابل افغانستان
مرجع: معاهده جینوا، در 25 فبروری، سال 2011 بدست آمد
http://www.institute-for-afghan-studies.org/Accords%20Treaties/geneva_accords_1988_pakistan_afghanistan.htm

دست گرفته شد. باز هم، در این مذاکرات باوجودیکه زنان موجود بودند اما توسط گروه‌ها در حاشیه قرار گرفته بودند، بجز از طالبان که مسوول افزایش و دوام نزاع بودند.

شاخص 9- فیصدی زنان (در برابر مردان) که در روندهای حل اختلافات و بازسازی بسته های اقتصادی را دریافت میکنند.

پژوهشگران شبکه زنان افغان قادر نبودند برای این شاخص اطلاعات جمع آوری نمایند. اما معلومات کم و بیش نشان میدهد که برنامه مدغم سازی را که APRP نظارت میکرد، از سال 2010 کمکهای مالی دریافت میکرد تا جنگسالاران اسبق را از طریق بسته های اقتصادی دوباره به اجتماع پیوند دهند. معلوم نیست که در روند به زنان کدام نوع کمک صورت گرفته یا خیر. پول تعیین شده برای احیای اجتماع تحت APRP بیشتر بالای پروژه های انکشافی تمرکز میکند که شامل اعمار سرکها، آموزش های مسلکی، آبیاری و زراعت میشود.⁴³

B. ترویج مفکوره جندر

شاخص 10- تعداد و فیصدی برنامه های که قبلا و بعدا برای نظامیان و پولیس روی دست گرفته شده بود که در بر گیرنده SCR 1325 ، SCR 1820، ارگان های حقوق بشر بین المللی و قانون بشردوستانه بین المللی باشد.

وزارت امور داخله به شبکه زنان افغان اطلاع داد که یک سلسله آموزش ها برای پولیس و عساکر تدویر میشود، در حالیکه، مشخصات آموزش، گنجایش در SCR 1325, 1820 ملل متحد و قوانین دیگر بشر دوستانه و حقوق بشر روشن نیست. شبکه زنان افغان در فراهم کردن آموزش در سال 2008 پیرامون CSR 1325 ملل متحد دخیل بوده است، اما معلوم نیست آیا آموزش های بعدی دایر گردیده است یا خیر.

شاخص 11 a - - مساعدهای مالی تعیین شده و پرداخت شده برای پروژه های زنان، صلح و امنیت و برنامه های (WPS) برای نهاد های جامعه مدنی

نهاد های جامعه مدنی در افغانستان عبارت از نهاد های غیر دولتی اند که بالای پروژه های کار میکنند که از جانب نهاد های خارجی، ملل متحد و سفارت خانه ها تمویل میشوند. در نتیجه، پروژه ها برای زنان، صلح ، و امنیت به علاقه و اولویت این دوتر ها تعلق

⁴³ بررسی احیای اجتماع، برنامه صلح و شامل سازی افغانستان

میگیرد. در سال های اخیر، پروژه های WPS در افغانستان مشور شده و بعضی از نهاد های جامعه مدنی همین پروژه های WPS را با تمرکز بیشتر روی بلند بردن آگاهی و ظرفیت سازی، اجرا میکنند. در حالیکه، تمرکز روی پروژه های WPS اندک بوده و پروژه ها نیز کوتاه مدت و با مساعدت مالی کمتر میباشد.

شاخص 11-b- مساعدهای مالی تعیین شده و پرداخت شده برای پروژه های زنان، صلح و امنیت و برنامه های (WPS) برای دولت

اخذ اطلاعات در مورد وقف مساعدهای مالی برای برنامه های WPS که توسط دولت افغانستان تطبیق میشود مشکل میباشد. تعیین بودیجه برای برنامه های WPS ممکن شامل مساعدهای مالی برای تطبیق NAPWA جهت رسیدن به اهداف انکشافی، حمایت از شمولیت جندر، ظرفیت سازی جندر و حقوق بشر، و و تحفظ اشتراک کنندگان اناث، حمایت از گروه های صلح و عدالت در برنامه های اولویت ملی، تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان از طریق استحکام حدود قوانین و ظرفیت سکتور عدلی، و حمایت از ایجاد برنامه کاری ملی تحت حمایت و تصدیق وزارت امور خارجه باشد. مقدار بودیجه که برای این و دیگر برنامه های مرتبط به WPS تعیین میشود، در حال حاضر آماده نیست.

III. اختتامیه و پیشنهادات

خلاهای بزرگ در اشتراک زنان، تحفظ و جلوگیری ضعیف از خشونتهای جنسیت اجتماعی، و حاکمیت معافیت از جزا در افغانستان ادامه دارد. عدم توجه مقامات دولتی در برابر ناکامی نیروهای عدلی و امنیتی در برابر زنان باید شناسایی و حل گردد. این شامل اقدامات جدی در مورد تعهدات در کنفرانسهای اسبق، اسناد افغانی مانند قانون اساسی، قانون منع خشونت علیه زن، حساسیتهای جندر در اهداف انکشافی از طریق NAPWA-ANDS، و ارزشهای بین المللی حقوق بشر میشود.

برای فراهم آوری اطلاعات برای این گزارش، شبکه زنان افغان پیشنهادات ذیل را تذکر دادند⁴⁴.

" ما تاکید میورزیم که برای استحکام دموکراسی و حسابدهی، افغانستان به یک جامعه مدنی مستقل نیازمند است، و مهمتر از همه به گروه های قوی زنان نیاز دارد تا از

⁴⁴. پیشنهادات در اگست 2012 از شبکه زنان افغان بدست آمد.

مردسالاری که در نهاد های حاکم وجود دارد زنده به در آیند و برای یک جامعه مشتمل و عادل نماینده های تغییر باشند. برای برقرار نگه داشتن وحدت و استقلالیت جامعه مدنی، تعیین منابع برای رشد ظرفیت، شفافیت و عملیات نهاد های غیر دولتی باید بشکل مستقل خارج از کنترل مالی دولت تعیین و مدیریت گردد. علاوه بر آن، ما معتقد هستیم که تعهدات در 22 برنامه اولویت ملی نیاز به روش کلی در عرصه بودجه جندر دارد، در صورتیکه این تعهدات زنان را بشکل مستقیم مستفید سازد و یک تاثیر بالای اشتراک سیاسی زنان داشته باشد.

زنان افغان میخواهند یک اقدام برنامه ریزی شده واضح وجود داشته باشد که برای شمولیت آنها در بحث های مرتبط به آینده افغانستان و زندگی فراتراز 2014 طرح شده باشد. آنها همچنان بالای اهمیت اشتراک شان در روند های فعلی صلح و باز سازی تاکید میورزند."

پیشنهادات 45

حمایت از برنامه های انکشاف ظرفیت برای نیروهای امنیتی ملی افغان باید به چگونگی پاسخگو بودن بهتر ANSF به نیاز های مردم بالخصوص به زنان و اطفال توجه خاص دهد. این شامل تمرکز بیشتر بالای آموزش پولیس مردمی و تنظیم آنها میباشد. واحد های پاسخ به امور خانواده نیز یکی از وسیله های مهم برای پاسخ به نیاز های امنیتی زنان است؛ این واحد ها باید بطور کامل از نگاه منابع حمایت شوند و برای اینکه زنان با تجربه در این واحد ها گماشته شوند باید تشکیل نیز تعدیل شود.

نیاز برای استخدام زنان در نیروی پولیس از طریق ایجاد محیط مناسب در داخل ساختار امنیتی، آموزش کافی برای پولیس های اناث تا در پست های ارشد نیرو های پولیس دخیل باشند، و فراهم کردن حمایت کافی برای تحفظ زنان در نیروهای امنیتی.

آموزش و نظارت مداوم بعد از 2014 نیز لازم است تا ظرفیت نیروهای امنیتی ملی افغانستان را رشد داد، تا فهمیده شود که چگونه فعالیت های آنها بالای تطبیق قانون، حاکمیت قانون، دسترسی به عدالت و پاسخگویی به نیاز های زنان و اطفال تاثیر میگذارد.

این آموزش باید شامل مضامین در مورد ارزشهای اساسی در رابطه با برخورد محترمانه با مردم، چگونگی ایجاد اعتماد به جوامع محلی، و چگونگی ایجاد مشغولیت موثر میان مردم باشد.

30 فیصد از کمک های مالی بین المللی که برای حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان تعیین شده است ، باید برای استخدام و نگهداشت زنان در نیروهای امنیتی ملی افغانستان مختص گردد.

تاسیس یک کمیسیون نظارتی مستقل جامعه مدنی برای ارزیابی دقیق از همکاری، حمایت و فعالیت های نیروهای امنیتی افغانستان ، و همچنان فراهم نمودن نظریات و پیشنهادات برای وزارت های داخله و دفاع و فعالین ذیربط دیگر. هدف کمیسیون باید بهبودی بخشیدن به پاسخگویی اردوی ملی افغان در برابر شهروندان افغان، بالخصوص زنان و اطفال باشد. کشور های عضو ناتو باید با هم یکجا یک استراتیژی و بودیجه جامع را جهت شناسایی چگونه نگهداشتن دست آوردهای زنان در طول 11 سال، توسعه دهند. توسعه این استراتیژی و بودیجه باید به مشوره با نهادهای جامعه مدنی زنان افغان صورت گیرد. ارتقای ظرفیت برای زنان یک امر ضروری است: برای زنان باید فرصت کار داده شود تا از دست آوردهای شان در طول ۱۱ سال محافظت نمایند. برای این، موقف شان در جامعه هنوز هم از طریق برنامه های تخنیکی ظرفیت سازی برای زنان، از آموزش های سواد آموزی الی رشد مهارتهای حقوقی نیاز به استحکام دارد.

برنامه کاری ملی در مورد زنان : صلح و امنیت از سوی دولت افغانستان برای توسعه این برنامه به تمرکز و توجه جدی نیاز دارد و از سوی جامعه جهانی برای فراهم آوری منابع این برنامه به تعهد نیاز دارد. برنامه کاری ملی باید مستقیما با موفقیت صلح و روند امنیت در افغانستان ارتباط داده شود و تطبیق آن باید در اولویت قرار داده شود.

دولت افغانستان باید در برابر وظایف ملی و بین المللی آن برای تصدیق زنان منحیت رهبران و اطمینان از اشتراک آنها در روند های تصمیم گیری مسول پنداشته شود.

کمک های مالی که از جانب جامعه جهانی برای اصلاحات در سکتور امنیت، عدلی و حکومتداری خوب وعده داده شده است، باید به شرط مشوره با زنان در مراحل برنامه ریزی و تطبیق و همچنان با در نظر داشت دخیل نمودن زنان در تمام عرصه های مرتبط دولت، امنیت و ارگان های عدلی تحویل و مصرف گردد.

استخدام پولیس محلی افغان و وسیله های دیگر امنیتی نیاز ایجاد یک روند شفاف نظارت دارند تا جنگسالاران اسبق و فعلی با سابقه نقض حقوق بشر نتوانند بخش نیروهای ملی شوند. یک بخش از روند نظارت باید دوامدار باشد، گروه زنان و زنان از جوامع مختلف را اجازه دهد تا در مورد پس منظر نیروهای امنیتی جدیدالشمول گزارش ارایه نمایند.

رهبران اناث در دولت و جامعه مدنی تحت حملات مداوم اند، در حالیکه ضروری است تا امنیت زنان را در کل تامین نمود. تحفظ رهبران زن نیاز به اولویت دارد چرا که آنها نقش مهم را در جامعه منحیت نماینده های تغییر برخلاف عناصر محافظه کار که افغانستان را دوباره به سالهای 1990 میبرد، دارند

دولت افغانستان باید یک روند گزارشدهی واضح و شفاف را برای میکانیزم های حقوق بشر و قوانین بین المللی که به امضا رسانیده است دارا باشد، و باید روشن سازد که قوانین افغانی در مغایرت با تعهدات حقوقی بین المللی برای زنان نمیباشد.

یک کمیسیون مستقل مشترک بین المللی یاد بود جنگ افغانستان باید ایجاد گردد تا خشونت های جنگی 30 سال گذشته شناسایی شود و یک روند مستند سازی جهت جلوگیری از جنگ نیز وجود داشته باشد. ضرور نیست این چنین یک تحقیق به محاکمه حقوقی بانجامد، اما این منحصی یک نماد جنگ و آغاز روند بهبود و اصلاح باقی میماند، در غیر آن، فرهنگ معافیت از جزا افغانها را بسوی فرهنگ حاکمیت قانون متحد نمیسازد.

زنان افغان تقاضای 25 فیصد حق در شورای عالی صلح و شوراهای ولایتی صلح را دارند. در اکثر ولایات، تنها نماینده زن یک کارمند دولت است.

وزارت امور زنان باید برای زنان و دخترانیکه با خشونت، خشونت جنسی، تجاوز جنسی، و تهدید مواجه میشوند دادخواهی نموده از آنها حمایت کند، البته از طریق توجه بیشتر و خدمات ثبت توسط کارکنان وزارت امور زنان و ریاست امور زنان. بهبود آموزش و فعال بودن کارکنان وزارت امور زنان و ریاست امور زنان به زنان و دختران که برای کمک مراجعه مینمایند.

بلند بردن سطح آگاهی میان زنان و مردان در 34 ولایت، به تمرکز بیشتر بالای مناطق غیر شهری و برنامه مشخص بالای قوانین EAW، حقوق زنان تحت قانون افغانستان و اسلام، و اهمیت تعلیم زنان برای جامعه.

توسعه واحدهای پاسخ به امور خانواده در هرپوسته پولیس ولسوالی در 34 ولایت؛ بهبود واحدهای پاسخ به امور خانواده توسط استخدام بیشتر آمرین زن و آموزش به آنها در مورد روش های اهداف پاسخگویی.

تمرکز بالای استخدام زنان در پولیس از طریق هماهنگی و همکاری با وزارت امور زنان و نهادهای رهبری شده توسط زنان جهت حمایت و تشویق خانواده ها بمنظور اجازه دادن به زنان و دختران شان برای پیوستن به نیروهای پولیس.

اطمینان از اینکه زنان و دخترانیکه با خشونتهای فیزیکی، جنسی، جنسیت اجتماعی، تجاوز جنسی و اضرار دیگر مواجه شده اند، از طریق نظام عدلی کمک میشوند.

ازدیاد وکلانان، قضات و کارکنان زن در عرصه تطبیق قانون که بتوانند مشخصا روی نیاز زنان که قربانی قرار گرفته اند تمرکز نمایند.

اطمینان داده شود که قانون ازدواج موجودیت شوهر و زن را در زمان ثبت ازدواج لازمی میسازد.

اطمینان حاصل گردد مسوده های که برای ارزیابی دریافت میشوند در مطابقت با قانون اساسی، قوانین افغانستان و معیار های بین المللی حقوق بشر میباشد.

ایجاد و تطبیق آموزش و برنامه های آگاهی با وزارت امور داخله برای پولیس و تطبیق قوانین دیگر برای تحفظ حقوق زنان توسط قانون؛ آموزش و آگاهی برای قضات در مورد تحفظ حقوق زنان توسط قانون و همچنان تفاوتها میان قضاوتهای اساسی و قضاوتهای قضات بر اساس عقاید فرهنگی شان.

اقدام برای مرور مفاهیم مانند (فرار از منزل) که یک جرم نیست اما زنان برای مرتکب شدن آن زندانی و جزا داده میشوند.

علاوه کردن صلح و تعلیمات در مورد جنسیت اجتماعی منحصیٹ بخش نصاب تعلیمی، دادن آگاهی پیرامون حقوق زنان و دختران، علاوه کردن حق انتخاب شریک حیات، ازدواج اجباری و ازدواج اطفال منحصیٹ یک جرم، و تدارکات دیگر محافظتی تحت قانون. آموزش و آگاهی برای رهبران مذهبی، استادان و ملاها در وعظهای روزهای جمعه بمنظور حمایت از حقوق زنان تحت قانون افغانستان، و پیوند دادن این حقوق با قانون اسلامی. کار با وزارت اطلاعات و فرهنگ بمنظور توسعه برنامه های بلند بردن آگاهی در مورد حقوق زنان تحت قوانین افغانستان و اسلام.

IV. مراجع

1. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، 2004،
<http://www.afghanembassy.com.pl/cms/uploads/images/Constitution/The%20Constitution.pdf>
2. ستراتیژی انکشافی ملی افغانستان، کمیته نظارت و دارلانشا ستراتیژی انکشافی ملی و حکومت افغانستان -2008
http://www.undp.org.af/publications/KeyDocuments/ANDS_Full_Eng.pdf
3. ارقام از احصاییه 2009-2010 افغانستان جمع آوری شده است. احصاییه مرکزی، مطبعه چاپی، سپتامبر، ص 12
4. ¹ قطعنامه 1325 شورای امنیت سازمان ملل متحد: تطبیق در افغانستان، گزارش نظارت شبکه زنان افغان، افغانستان، مرجع: اطلاعات از احصاییه 2009-2-12 افغانستان جمع آوری شده است. احصاییه مرکزی، مطبعه چاپی، سپتامبر، 2010، کابل، افغانستان، ص 12
5. سیاستدان زن افغان حنیفه صافی به قتل رسید، خبر بی بی سی. 13 جولای، 2012
<http://www.bbc.co.uk/news/world-asia-18832391>
6. ((طالبان زن ارشد افغان را به قتل رساند) گاردین. 25 سپتامبر، 2006
<http://www.guardian.co.uk/world/2006/sep/26/afghanistan.gender>
7. ((طالبان مذاکرات صلح را با غرب رد نمود))، دیلی تایمز، 7 جولای، 2011
http://www.dailytimes.com.pk/default.asp?page=2011%5C07%5C07%5Cstory_7-7-2011_pg7_5;
8. ((طالبان تقاضای مذاکره اخیر کرزی را رد نمود)) خبرهای طلوع، 29 سپتامبر، 2010
<http://tolonews.com/en/afghanistan/641-taliban-rejects-latest-karzai-peace-approach->
9. گیران انن ((ایالات متحده امریکا و پاکستان مشترکاً میخواهد که مذاکرات صلح را با طالبان تقویت بخشد))
سپتامبر، 2012 http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-pakistan-plan-joint-effort-to-boost-peace-talks-with-taliban/2012/09/21/2ebd1d1c-03f8-11e2-9b24-ff730c7f6312_story.html
10. فشرده فصل افغانستان، دیده بان حقوق بشر. جنوری 2011
11. ((پالیسی جندر برای برنامه صلح و شامل سازی افغانستان)) دارلانشا مشترک، سپتامبر، 2011، کابل، افغانستان
<https://www.cimicweb.org/cmo/afg/Documents/Reports/APRP%20Gender%20Policy%202011.pdf>
12. معلومات از سمیرا حمیدی رییس اسبق شبکه زنان افغان بدست آمده است. اگست، 2012

افغانستان،

2، کابل

ت. 21

13. قوای امنیتی ملی افغانستان: آموزش و انکشاف: پیشینه رسانه های ناتو، 16 می، 2012
http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_topics/20120516_media_backgrounder_ANSF_en.pdf
14. متن فرمان رییس جمهور در مورد لویه جرگه قانون اساسی.
<http://www.constitutionnet.org/files/textofpresidentialdecreeonconstitutionalloyajirga1.pdf>
livepage.apple.com
15. انتخاب فرد، کامله، ((بحث در مورد قانون اساس به قهر کشید)). Euraisannet.org. هشت دسامبر، 2003
<http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav120903a.shtml>
16. معلومات از ریاست های حقوق بشر و روابط بین المللی زنان وزارت امور خارجه بدست آمده است.
17. یعقوبی لیدا (ورکشاپ مشورتی دور روزه در مورد تطبیق قطعنامه 1325 شورای امنیت ملل متحد، در پروژه، می، 2012
18. از دیتابیس ریاست حقوقی وزارت امور زنان
19. بیژن، فرو او نور محمد سهین. ((تجاوز جنسی عدلیه افغانستان را به آزمایش آورده است)). رادیو آزادی، پنجم
20. رابین، الیسا جی. ((قضیه تجاوز جنسی توجه را به پولیس محلی مبدول داشته است)). نیویارک تایمز، 27 جون،
<http://www.rferl.org/content/rape-case-tests-afghan-justice/24604549.html>;
21. منزل طولانی برای رسیدن به هدف: تطبیق قانون محو خشونت علیه زنان در افغانستان، UNAMA/OHCHR،
http://www.nytimes.com/2012/06/28/world/asia/afghan-rape-case-turns-focus-on-local-police.html?pagewanted=all&_r=0
22. عکس العمل قهر آمیز در مورد نظر وزیر در مورد فحشا). گالف نیوز، 19 جولای، 2012
<http://gulffnews.com/news/world/afghanistan/outrage-at-afghan-minister-s-prostitution-comments-1.1037507>
23. شبکه زنان افغان. اعلامیه در مورد اتهامات خانه های امن و پناهگاهی زنان. 18 جون، 2012
<http://www.afghanwomennetwork.af/Latest%20Updates/Declaration%20regarding%20the%20Accusations%20against%20the%20Safe%20Houses.pdf>
24. شکایا ابراهیم خیل، (وزیر عدلیه در مورد سخنان توهین آمیز خویش درباره پناهگاهی زنان معذرت خواهی نمود)، خبرهای طلوع،
<http://www.e-2012>
25. سند موقف: تقاضای جامعه مدنی افغانستان در راستا کنفرانس توکیو برای افغانستان، هشت جولای، 2012
[http://www.af.boell.org/web/Democratization-Demands of Afghanistan Civil Society on the occasion of Tokyo Conference 374.html](http://www.af.boell.org/web/Democratization-Demands%20of%20Afghanistan%20Civil%20Society%20on%20the%20occasion%20of%20Tokyo%20Conference%20374.html)
26. معاهده جینوا، در 25 فبروری، سال 2011 بدست آمد
http://www.institute-for-afghan-studies.org/Accords%20Treaties/geneva_accords_1988_pakistan_afghanistan.htm
27. بررسی احیای اجتماع، برنامه صلح و شامل سازی افغانستان
<http://www.hpc.org.af/english/index.php/community-recovery-overview>
28. پیشنهادات که از شبکه زنان افغان در اگست 2012 مواصلت ورزیده است.